

### صنعت پوشاک بنگلادش روی کاکل زنائش می چرخد

صنعت پوشاک در سراسر دنیا به عنوان «صنعتی سرشار از تناقض ها» شناخته می شود. در بنگلادش هم اوضاع به همین ترتیب است.

این امر به ویژه در مورد زنانی صدق می کند که از یک سو فرصت های فزاینده ای برای استقلال مالی و بهبود اوضاع زندگی در نتیجه اشتغال در این صنعت به دست می آورند و از سوی دیگر در معرض فشار سوءاستفاده های همیشگی از سوی مدیران و نیز شرایط سخت و خطرناک در بسیاری از کارخانه ها قرار می گیرند. ارتباط پویایی که میان مدیران میانی عموماً مرد و کارگران زن در صنعت پوشاک جریان دارد، مشتی نمونه خروار از همان ارتباط پدرسالارانه ای است که در بسیاری از خانواده ها و نیز جوامع بزرگ تر در بنگلادش می توان دید.

اتحادیه های کارگری در بسیاری از بخش های آسیا که عموماً اصلی ترین راه انعکاس دغدغه های جامعه کارگری به شمار می آیند نیز با مدیریت مردان در رده های گوناگون اداره می شوند و آنقدرها که ادعا می کنند نماینده خوبی برای زنان نیستند. با این حساب اوضاع باید برای خانم ها در بنگلادش بد باشد اما واقعیت این است که در این صنعت بیشتر نور امید دیده می شود تا تاریکی و کدورت. هرچند تغییرات در حال وقوع در این صنعت آهسته و پیوسته پیش می رود، اما مهم این است که این تغییرات را گروه های کارگری ایجاد کرده و پیش می برند و مدیریت بسیاری از آنها با زنان است.

فدراسیون های پوشاک در بنگلادش، نه تنها اتحادیه هایی ثبت شده هستند، بلکه سازمان های زنان، سازمان های مردم نهاد و سازمان های توسعه دارند. در این سازمان ها نه تنها خانم ها به عنوان عضو حضور دارند، بلکه دارای پست های مدیریتی هم هستند. برای مثال فدراسیونی به نام *Awaj* در سال ۲۰۰۵ تشکیل شد که در بخش احقاق حقوق زنان نقش مهمی دارد و به عنوان رابط بین کارگران و صاحبان کارخانه ها و نیز بین کارگران و دولت نقش ایفا می کند.

بنیانگذار این فدراسیون خانمی به نام ناسما آکتر است که خودش سابقه ۲۵ سال کار در بخش صنعت پوشاک را داشته است. او در این باره گفته است: «اگر کارخانه ای تعطیل شود، در نهایت فشارها نصیب کارگران می شود... رفاه میلیون ها کارگر زن و پیشرفت کشور ما (بنگلادش) بستگی به سلامت بخش پوشاک دارد.» فدراسیون اتحاد کارگران مستقل صنعت پوشاک بنگلادش (*BIGUF*) نمونه دیگری از این نهادها است که در سال ۱۹۹۴ به همت تعدادی از کارگران زن در صنعت پوشاک تاسیس شد و اکنون ریاست آن با خانم نومیتا ناث است.

رهبران این اتحادیه در واقع کارگران بخش پوشاک هستند نه مدیرانی که هرگز سابقه کار کردن در صنعت پوشاک را ندارند. این فدراسیون ها توان این را دارند که هماهنگ سازی بین نمایندگی های غیررسمی و سازماندهی شده را انجام دهند و منافع جامعه کارگری را از طریق کانال های سیاسی رسمی نمایندگی

کنند. فدراسیون های کارگری صنعت پوشاک نقش اساسی در ایجاد فشار برای افزایش حقوق در صنعت بنگلادش در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ داشتند. همچنین معضل حقوق بیش از یک دهه اصلا مطرح نشده است، دلیل این مطرح نشدن البته این نیست که کارگران تظاهرات یا اعتصاب نکرده باشند.

تفاوت در نقش تغییر یافته کارگران در ائتلاف سیاسی و تاثیری بود که این اتحادیه ها می توانستند در تعامل رودررو با دولت بگذارند. در واقع کارگران از مسیر ارتباطی کانال های رسمی توانستند از حاشیه به متن بیایند. در مقابل، در سریلانکا و کامبوج، کشورهایی که به خاطر بهبود در وضعیت حقوق کارگران و وضع مناسب کارخانه ها شناخته می شوند، تعداد کانال های رسمی که پیگیر حقوق کارگران در کل و به خصوص خانم ها باشد، بسیار کم است. در کامبوج، در حالی که اتحادیه های زیادی در هر کارخانه وجود دارد، اغلب به جای سازماندهی واقعی، شاهد درگیری های داخلی هستیم. به علاوه، رهبری اتحادیه ها اغلب شدیداً مردانه است و اهمیت چندانی به دغدغه های نیروی کار زن در این بخش نمی دهند.

با وجود چندین اتحادیه در هر کارخانه، کارگران حس نمی کنند که تریبونی برای شنیدن صدای شان یا حمایت از منافع شان وجود داشته باشد. آنها گفتمان معناداری میان سیاست گذاری در سطح ملی نمی بینند و در واقع گفت وگو بین بخش خصوصی و دولت و نیز رقابت بین اتحادیه ها را موثر نمی دانند. در سریلانکا، اتحادیه کارگران منطقه آزاد تجاری (FTZWU) در سال ۱۹۹۹ تشکیل شد و نزدیک به ۹۰ درصد اعضا و اکثر صاحب منصبانش زن بودند.

اگرچه این اتحادیه روی معضلاتی چون حقوق کم، دغدغه های سلامت و امنیت و ... کار می کنند اما بازیگر مهمی در چرخه های سیاست نیستند چون عموماً در سریلانکا نگرش و جو سنگین ضد اتحادیه ای وجود دارد. در این باره رئیس اتحادیه کارگران منطقه آزاد تجاری در گفت وگویی چنین گفت: در سریلانکا اتحادیه های صنفی به عنوان شریک در نظر گرفته نمی شوند. در سطح کارخانه، به جای اتحادیه ها یا فدراسیون ها، شوراهای مشترک مشورتی (JCCs) و صندوق های پیشنهادی تعریف شده اند که کارگران می توانند برای بیان درخواست ها و پیگیری منافع شان از این امکان استفاده کنند. اما هم کارگران و هم فعالان در این موضوع با هم توافق دارند که هیچ یک از این تشکل ها نماینده خوبی برای نگرانی های کارگران نیستند.